

## سهم واقعی ملت ایران در تعیین رژیم حقوقی دریای کاسپین

یادداشتی از: حسین شاه اویسی

تهران؛ ۷ مهرماه ۱۳۹۴ خورشیدی

"فرزندان عزیز وطن با چشمان باز مراقب خانه

خانه کهنسال خود باشید تا مبادا نسل آینده

از ما به زشتی یاد کند..."

«دکتر محمد مصدق»

برای چندین بار و بزودی جهت تعیین رژیم حقوقی دریای مازندران (کاسپین) نشستی از سوی سران کشورهای کناره این پهنه‌ی آبی در آستارا خان برنامه ریزی شده است. از اینرو ضروری است نکاتی بسیار مهم را جهت روشن شدن افکار هم میهنان و خطیر بودن مسئولیت کاربدستان مذاکره کننده در راستای جلوگیری از دست اندازی و تجاوز به آبهای سرزمینی و احقاق حقوق راستین ملتمان و منافع ملی مان بعنوان یک ایرانی یادآور شوم.

پس از عهدنامه های ظالمانه و یک طرفه گلستان و ترکمنچای بین دولت تزاری روسیه و ایران، با سقوط دولت تزارها و حاکمیت دولت جدید عهدنامه 1921 در 26 فوریه که محتوای آن ناظر بر حقوق مورد توافق ایران و روسیه در پهنه آبی دریای مازندران (کاسپین) و موضوع های مورد علاقه طرفین بود منعقد شد در فصل نخست از 26 فصل این عهدنامه آمده است، "دولت اتحاد جماهیر شوروی تمام معاهدات و مقاوله نامه ها و قراردادهایی را که دولت تزاری روسیه (طی عهدنامه های گلستان و ترکمنچای) با ایران منعقد کرده و حقوق ملت ایران را تضییح کرده است ملغی و از درجه اعتبار ساقط شده اعلام می کند." در عهدنامه 1921 فصل سوم و یازدهم حقوق مساوی برای دو طرف (ایران - شوروی) به رسمیت شناخته شده است تا آنجا که در ضمائم قرارداد 1940 دریای مازندران (کاسپین) را دریای "ایران-شوروی" نامیده اند.

از اینرو تعیین راستین رژیم حقوقی دریای کاسپین این بزرگترین پهنه ی آبی محصور در خشکی های جهان پس از فروپاشی "اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی" از ضرورت های ساحل نشینان این دریای بسته است.

کشورهای کوچک کرانه این دریا از منظر اقتصادی و کشورهای بزرگ نه تنها از نگاه اقتصادی، بلکه از منظر هژمونی طلبی و سیاسی نیز به آن توجه ویژه دارند. از سوی دیگر شرکتهای چند ملیتی نفتی سرمایه گزار هم بدنبال کلاهی از این نمود کسب سودی بی دردسر هریک را به پشتیبانی از کشورهای این پهنه آبی واداشته که به منطقه سرازیر شده اند تا از بی قانونی ها و بی توجهی به حقوق ملتها بهره برداری کنند. بهمین دلیل بدنبال مستمسکی هستند تا هر بار به گونه ای و بهانه ای در تعیین رژیم حقوقی این پهنه آبی دخالت یا تحریک کرده تا نفعی بیشتر عایدشان شده یا دستکم از عوایدشان کاسته نشود، از اینرو با بستن پیمان و پشتیبانی از بعضی کشورهای " تازه صاحب سهم شده " برخلاف موازین بین المللی، اقدام به حفاری در آبهای سرزمینی متعلق به ایران کرده اند و به منظور ادامه تجاوز خود بطور ضمنی از موضع نادرست و غیرقانونی کسب سودی چون آذربایجان و قزاقستان ... پشتیبانی می کنند.

از سوی دیگر دولت روسیه هم در این آشفته بازار طبق اخلاق دیرین و روش مألوف خود، موقع را مناسب دانسته تا ضمن اندیشیدن به منافع اقتصادی خود اولویت دیگری هم تعریف کند و آن گره زدن این امر با اهدافی است در راستای رفع

ناآرامی های داخلی خود از جمله علیه خواسته های مردم چین و ... و ضمن "تروریست بین المللی" نامیدن مردم تحت ستم در بعضی جمهوری ها خود در سرکوب آنها عده ای را با خود همداستان سازد و برای پیشبرد این راهبرد و همسو کردن کشورهای منطقه و قدرتهای جهانی در سرکوب مخالفان خود ناگزیر به باج دادن به بعضی شرکتهای چند ملیتی بویژه آمریکایی در دریای کاسپین شده است و همینطور از آنجا که دیگر کشورهای آسیای مرکزی هم هر یک به گونه ای با مشکلات و ناآرامی های سیاسی داخلی مشابه، با بخش هایی از مردم خود روبرو هستند، همگی از این راهبرد در ظاهر به بهانه های مبارزه با "تروریسم" استقبال کرده اند. بطوریکه هندی ها هم خود را مجاز به سرکوب استقلال طلبان کشمیر و چینی ها هم در سرکوب مسلمانان سین کیانگ، محق می دانند، همه این باج ها و موافقت ها و اجازه بهره برداری ها از دریای کاسپین برای گرفتن کارت سبز اجرای طرح راهبردی دست پخت روسیه (بخوانید؛ سرکوب مردم ناراضی) انجام گرفته است تا در نتیجه روسیه هم در سرکوب مردم چین و ... آزادی عمل داشته باشد و با مخالفت قدرتها روبرو نشود و برای راضی نگاهداشتن قدرتهای جهانی حاضر شده است برخلاف قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ موافقت خود را با برپائی پایگاه های نظامی آنها یا بستن قراردادهای اقتصادی و تجاری آنچنانی در منطقه و دریای کاسپین و آبهای ساحلی آذربایجان و کشورهای تاجیکستان و قزاقستان اعلام و بدین ترتیب قدرتهای بزرگ هم در پرتو این بده بستانها نسبت به سرکوبهای داخلی روسیه به دیده اغماض بنگرند و مخالفت آنچنان ابراز نکنند. بیاد می آوریم آنگاه که روسیه از استقلال (جدایی) آبخازیا و اوستیای جنوبی پشتیبانی کرد، کشورهای غربی واکنش آنچنانی از خود نشان ندادند و رفیق دزد و شریک غافله شدند. و آمریکا هم در جبران این خدمت، اروپای غربی را در دفاع از گرجستان و امروز هم باز اروپا را در دفاع از اکراین در رویارویی با روسیه تنها گذارده است تا این جنگ به جنگی میان اروپا و روسیه تبدیل شود و برای خالی نبودن عریضه فقط به دادن بیانیه و شعار اکتفا کرده است، و روسیه امروزه بخود اجازه ورود به اکراین را بدهد و فردا چه مجوز دیگری خواهد گرفت و چه خواهد شد؟! خدا می داند. بهوش باشیم که: "هیچکس مرا نخواهد که در آن سود خود نجوید".

این مرادها و داد و ستدها در شرایطی در حال انجام است که دولت ایران که مالک و حاکم بر نیمی از این دریا است جز شاهد از بین رفتن محیط زیستش در دریا و باز شدن پای قدرتهای متجاوز نظامی و اقتصادی به منطقه، هیچگونه نقشی و نفعی در این حوادث و توافق ها و مذاکرات نداشته است.

از آنجا که در فصل های ۱ و ۲ و ۳ و ۱۱ و ۱۳ عهدنامه ۱۹۲۱ و در مقدمه قرارداد ۱۹۴۰ و مواد ۱۱ و ۱۳ و ۱۶ آن سهم مشاع (مساوی) دو دولت، معتبر و رسمی اعلام شده است. از اینرو از سهم مساوی و یا حقوق مشاع با شوروی نمی توان و نباید صرفنظر کرد و سهم جمهوری های "تازه استقلال یافته" که از شوروی جدا شده اند از قدر سهم شوروی باید داده شود نه از سهم ایران چرا که شوروی تجزیه شده است نه ایران.

بدیگر سخن از آنجا که تحدید حدودی در دریای کاسپین بین ایران و شوروی بعمل نیامده است، هیچکدام از کشورها از جمله آذربایجان که مرز آبی روشن ندارند، اجازه دعوت از بیگانه به خانه دیگری را ندارد و به طریق اولی قشون کشی و دادن پایگاههای نظامی و حفاری چاههای نفت و بهره برداری از منابع زیرزمینی و آلوده کردن محیط زیست منطقه

و... را بدون راهکار منطقی و اصولی و تعیین سهم صاحب خانه از این پهنه ی آبی غیر قانونی و تجاوز به آبهای سرزمینی ایران قلمداد شده و مضحک تر اینکه نفت ما را استخراج کنند و بخودمان بفروشند.

کاربدستان باید متوجه و آگاه باشند، در نشستها و مذاکرات تعیین رژیم حقوقی دریای کاسپین ضمن احقاق حقوق و سهم واقعی ایران کوشش کنند هر چه سریعتر این تجاوز آشکار متوقف شود و از منافع ملی و مرزهای سرزمینی کشورمان دفاع کرده، در برابر این تجاوز آشکار بایستند. و متوجه باشند از آنجا که ایران و شوروی سابق حق استفاده مشاع از تمام امکانات این دریا را دارا هستند، پای هر سند مصالحه ای امضا نگذارند که تامین کننده منافع ملی ایران نباشد و بدانند هر گونه تغییر در خطوط مرزی کشور طبق اصل ۷۸ قانون اساسی ممنوع و هیچ مقام یا دولتی چنین حقی را ندارد مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور که به استقلال کشور لطمه نزند و آنهم با تصویب چهار پنجم نمایندگان ملت مجاز خواهد بود.

حاصل سخن آنکه : برای آگاهی همگان اعلام می دارم:

۱- دریای کاسپین دریایی است بسته.

۲- این دریا در مالکیت و حاکمیت مشاع دو دولت ایران و شوروی قرار دارد.

۳- از آنجا که هیچ تحدید حدودی در دریای یاد شده میان ایران و شوروی انجام نشده است مالکیت و حاکمیت دو دولت بر این دریا مشاع است.

۴- سهم جمهوری های تازه استقلال یافته که از شوروی جدا شده اند باید از قدر سهم شوروی داده شود نه از سهم ایران زیرا که شوروی تجزیه شده است نه ایران.

و در نتیجه هر گونه معاهده و توافق و تصمیم درباره رژیم حقوقی دریای کاسپین و خط کشی های مرزی به شیوه های " تفریق تقسیم های استالینی " یعنی بدون حضور و به رسمیت شناختن حقوق راستین ملت ایران براساس مدارک قانونی و قراردادهای و معاهده ها و کنوانسیونهای یاد شده از نگاه ملت ایران از اعتبار ساقط است.

پاینده ایران

حسین شاه اویسی